



گفتاری از انشاء الله رحمتی؛ هانری کرین برای اثبات لزوم نبوت از استدلال روایات استفاده می کند

نشست تخصصی «طبقات انبیاء بر مبنای روایات شیعی بر اساس آثار هانری کرین» در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. در این نشست انشاء الله رحمتی به ایراد سخنرانی پرداخت.

نشست تخصصی «طبقات انبیاء بر مبنای روایات شیعی بر اساس آثار هانری کرین» در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. در این نشست انشاء الله رحمتی به ایراد سخنرانی پرداخت.

وی در ابتدا با بیان این نکته که هانری کرین فیلسوف مستشرق است نه مستشرق گفت: دو واژه فلسفه نبوی و دین نبوی در گفته های کرین زیاد به کار برده شده است. کرین خواستگاه بحث نبوت را در ابن سینا و فارابی قرار نمی دهد بلکه در قرآن و روایات به دنبال آن می گردد. کرین در جلد اول کتاب اسلام ایرانی با عنوان فرعی تشیع دوازده امامی تمرکز بر تفکر شیعی بر مبنای روایات دارد. گاهی گفته می شود روایات را از منظر فلسفی نباید بررسی کرد اما کرین روایات را از منظر حکمی و فلسفی بررسی می کند. کرین نبوت را کمال دین می داند. مثلاً در ادیان شرقی نبوت وجود ندارد.

وی ادامه داد: او اثبات نبوت را متفاوت از برهان فیلسوفان ما انجام میدهد. معروف ترین برهان در این زمینه، برهان ابن سینا است که از آن به برهان اجتماعی یاد می شود و در کتاب شفا وجود دارد. ابن سینا می گوید: انسان مدنی بالاضطرار یا مدنی الطبع است در نتیجه به مشارکت و معامله با دیگران نیاز دارد. لذا برای این منظور نیاز به قانون دارد. قانون نیز نیاز به قانون گذار دارد. اما انسان به دو دلیل نمی تواند قانون گذار باشد یکی ضعف علمی و دیگری ضعف اخلاقی.

رحمتی افزود: اما کرین این استدلال را از زاویه انسان می داند و از زاویه خدا استدلال می کند و به حدیثی از امام صادق اشاره می کند که می فرماید: بشر نیاز به شناخت و ارتباط با خدا دارد و اگر می خواهد این نیاز تأمین شود این از طریق بشر ممکن نیست. از این جا مسأله امامت هم یک امر اجتماعی می شود هم یک امر معنوی. جای اختلاف میان شیعه و سنی باقی نمی ماند و همچنین رجوع به هر قانونی برای اجتماع اعم از قوانین غیر الهی منتفی می گردد.

ان شا الله رحمتی در ادامه افزود: کرین می گوید امامان فقط امام فقهی نیستند بلکه امام عرفانی نیز هستند. کرین از قول امام صادق طبقات انبیاء را 4 طبقه عنوان می کند. یک طبقه که فقط به آن ها الهام می شود ولی رسالتی برای رساندن پیام به دیگران ندارند. طبقه دوم در خواب با فرشته دیدار می کنند مثل حضرت لوط که ابراهیم پیامبر او بود یا مثل پیامبر اکرم قبل از بعثت. طبقه سوم نبی مرسل هستند که در بیداری فرشته را ملاقات می کنند و مأموریت رساندن پیام نیز دارند. طبقه چهارم نبی مرسل اولوالعزم هستند و پیامشان یک شریعت نوین است. کرین می گوید معنی ختم نبوت یعنی پیامبری دیگر از دو طبقه آخر نخواهد بود ولی منطقاً دو طبقه اول می توانند ادامه پیدا کنند. همان طور که پیامبر اکرم (ص) می فرمایند: در امت من مکملین و محدثین هستند. یعنی کسانی که با آن ها توسط جبرئیل وجودشان سخن گفته می شود.

رحمتی در ادامه گفت: این بحث کرین پیامدهای سیاسی عظیمی دارد. مثلاً در محاکمه سهروردی از او پرسیدند تو معتقد بودی خداوند می تواند هر زمان پیامبری بفرستد و سهروردی گفت آیا این مسأله محال مطلق است یا خیر؟ یعنی خداوند می تواند این کار را انجام بدهد ولی انجام نمی دهد. محاکمه کنندگان سهروردی استدلال او را می فهمیدند اما به پیامد های آن توجه داشتند که بساط علمای اهل سنت را بر می چید.

وی در ادامه اظهار داشت: کرین از مکتب سینایی لاتینی صحبت می کند. مکتبی که بر اساس اندیشه های ابن سینا در مسیحیان قرون وسطی شکل گرفت. مکتب ابن رشدی لاتینی هم شکل گرفت که بعد از مدرنیته بیشتر مورد استقبال قرار گرفت. کرین می گوید فرشته هراسی اروپاییان موجب دیدگاه ابن رشد را بیشتر بیسندند چون در نگاه ابن رشد فرشتگان حضور ندارند.

رحمتی افزود: ملاصدرا از دو نوع نوبت صحبت می کند. نبوت تشریع و نبوت تعریف. کرین نبوت تعریفی را نبوت گنوستیک نه به معنای فرقه گنوسی بلکه به معنای معرفت نجات بخش می داند و این را مترادف می گیرد با مسأله تأویل که در تشیع داریم. کرین با معنویت زدایی یا تأویل زدایی مخالفت می کند یعنی هر چیزی که راه ارتباط انسان با خدا را ببندد.

کربن وجه انقلابی شیعه را انقلاب خاموش شیعه عنوان می کند که بدون ابراز خود و مقابله با دیگران و بدون دعوی حکومت و سیاست عمل می کند که این تفکر یک تفکر انقلابی است. شیعه یک نظامی ارائه می دهد که می تواند در مقابل نظام های دیگر قد علم کند. این نظام یک نظام سیاسی نیست بلکه یک نظام معرفتی و تربیتی است.

وی ادامه داد: کربن اشاره می کند به گفتگوهای امام علی (ع) با کمیل که می گوید: ای کمیل دل ها مانند ظرف ها هستند و بهترین آن ها آنی است که گنجایش بیشتر باشد. در ادامه به 3 گروه اشاره می کند. عالم ربانی، متعلم در راه نجات و افراد باری به هر جهت که به هر ندا دهنده ای پاسخ می دهند و از نور علم بهره ای ندارند. اکثریت انسان ها گروه سوم هستند که به کف روی آب تشبیه شده اند.

رحمتی در ادامه گفت: کربن می گوید عرفی شدن نه فقط دین که دنیای ما را هم از ما می گیرد. کربن کمال دین را در تشیع می داند و به مفهوم امام غائب خیلی توجه دارد و می گوید این غیبت، غیبت ماست. چون امام آینه ایست میان خدا و خلق پس عین ظهور است. کربن به دنبال یک معنویت زنده است که هیچ وقت ارتباط انسان با خدا گسسته نشود.

رحمتی در انتها گفت: در ادیان منجی وجود دارد اما منجی با امام غائب تفاوت دارد و معمولاً به این نکته توجه نمی شود. منجی بعداً می آید برای نجات اما امام غائب همین حالا هم زنده است و همان وظیفه پیامبران را انجام می دهد.